



نام داستان : من مثل کسی نیستم

ژانر : احساسی - پند آموز

نویسنده : مدیر لاو کده admin-ali (علی روشن)

منبع : سایت و انجمن عاشقانه لاو کده

www.lovekade.com

forum.lovekade.com

به قلم : علی روشن



من علی هستم و ۱۸ سالمه...

داستان زندگیم از اونجایی شروع میشه که همه دوستانم و اطرافیانم همش بهم میگفتن تو با خیلی ها فرق داری و مَث خیلی از پسرای دیگه نیستی و...

منم با شنیدن این حرفا ناراحت میشدم که چرا باید با خیلی ها فرق داشته باشم!

چرا باید بین این همه مردم تک و انگشت نما باشم!

اینجا بود که چشمم همش دنبال رفتارای دیگرون بود که منم از اون رفتارها برداشت کنم و مَث اونا باشم...

مدت زیادی طول نکشید که اکثر رفتارهاشونو برداشت کردم و تو خودم یه سری تغییراتی ایجاد کردم!

تغییرات در طرز پوشش و لباس هام گرفته تا موهام و اخلاق و رفتارم...

با این تغییرات تو خودم خوشحال بودم که الان از دید بقیه خیلی خوب و جذاب به نظر میرسم..

اما اینجا بود که یه چیزی رو فراموش کرده بودم!

از دست دادن داشتنی هام بخاطر به دست آوردن بعضی نداشتهنی هام!

با خودم فک میکردم دوستانم و اطرافیانم میخوان منم مَث بعضیا باشم

که همش تو خودم تصور میکردم اونطوری جذاب تر و دوس داشتنی تر به نظر میرسم!

نگو که اونا منو تو همون متفاوت بودنم دوس داشتن و همیشه میخواستن همونطور بمونم...

از موقعی که تو خودم تغییرات ایجاد کردم دیگه دوست و رفیقام و اطرافیانم

همه دورمو خالی کردند و همش میگفتن نه نه تو اون علی که ما میگفتیم نیستی

دیگه تغییر کردی و خیلی عوض شدی و اون علی دوس داشتنی سابق نیستی!

به قلم: علیروشن



اینجا بود که تازه به خودم اومدم و دیدم اینا همه منو تو همون متفاوت بودنم دوس داشتن

این پسری که الان تغییر کردم و هستم اصلا جذاب و دوس داشتنی نیستم!

یه روزی بود که چشممو باز کردم و دیدم تنها شدم و دیگه کسی دوربرم نیست!

از آشنا و دوست و رفیق گرفته تا خانواده و خواهرم همه ازم رنج میبردن و حاضر نمیشدن کنارم باشن!

منم اومدم با خودم تصمیم گرفتم که باز تو خودم تغییرات ایجاد کنم و مث قبل شم...

بلاخره تصمیممو گرفتم و خودمو تغییر دادم و هرچند که سخت بود ولی سعی کردم مث سابق باشم...

زمان زیادی طول نکشید و دوباره تمامی اون دوست و رفیقام و دوس داشتنی هامو به دست آوردم...

از این زندگیم هم خودم هم دوست و اطرافیانم راضی بودند که منم

اسم این زندگیمو (من مثل کسی نیستم ، همونم که هستم) گذاشتم...

پایان.